

## سخنرانی درباره اشغال وال استریت

### اشغال وال استریت مهمترین و بزرگترین رخداد زمان ما است!

من افتخار یافتم که شب پنجشنبه برای یک سخنرانی در باره اشغال وال استریت دعوت شوم . از آنجا که داشتن بلند گو و ضبط کردن ممنوع بود و آنچه را که من میگفتم، بوسیله صدها نفر (میکروفون انسانی) تکرار می گردید. من خیلی کم از آنچه گفتم در خاطرمانده است. در هر صورت آنچه را که از این سخنرانی میدان آزادی در خاطر دارم که خیلی هم کوتاه بود را در این جا می خوانید.

(نوامی کلاین)

این نوشته در روزنامه نیشن کانادا به چاپ رسیده است. من کوشش کرده ام که مضمون گفته ها را منتقل نمایم. شاید که موفق به ترجمه کلمه به کلمه نشده باشم. این مطلب را با مقدمه نوشته دوست عزیزم دکتر محمد قراگوزلو در این رابطه می آریم. امید است که برای این کار بدون اجازه مرا ببخشد.

(حمید قربانی - 19 اکتبر 2011)

« خانه ام ابری است.....»

### 5. ریشه های اقتصادی جنبش اشغال وال استریت

**محمد قراگوزلو**

**[Ohq.mm22@gmail.com](mailto:Ohq.mm22@gmail.com)**

**درآمد**

وال استریت را اشغال کنید! لندن را اشغال کنید! فرانکفورت را اشغال کنید! دوران تغییر جهان

فرار سیده است. جهان را بر سر سرمایه داری و سرمایه داران خراب کنید!

بامداد 15 اکتبر در کشورهای کوچک و بزرگ سرمایه داری با شعارهای پیش نوشته شروع

شد. جهانی سازی های نئولیبرالی ؛ حالا اعتراضات رادیکال را نیز جهانی کرده است. از گوشه و کنار

شعار کارگران جهان متحد شوید به گوش می رسد! جنبش معترضان آمریکایی موسوم به اشغال وال

استریت به هر سرزمین ممکن راه یافته است. این بار صدای انقلاب از قوی ترین حلقه ی زنجیر سرمایه داری و از سرزمین های امپریالیستی شنیده می شود. همه ی شواهد شهادت می دهند که جنبش اشغال وال استریت مرزهای آمریکا را شکسته و به شرق دور پیوسته است. فرودستان توکیو و هنگ کنگ در کنار زحمت کشان نیویورک و لندن و فرانکفورت و برلین و سیدنی و آتن و مادرید و قاهره....یک صدا علیه نظم موجود می خروشد. در رم – سرزمین دار و دسته ی تا بن دندان فاسد برلوسکونی- سیلی از جمعیت خروشان به راه افتاد و در شولایی از دود و باروت به چهره ی بورژوازی پنجه کشید. در فرانکفورت (مقر بانک مرکزی اروپا) معترضان به نماد سرمایه ی مالی یورش بردند. در لندن ده ها هزار انسان به ستوه آمده از ستم طبقاتی در مرکز مالی شهر جمع شدند. کسی قادر نیست با رهنمود حکیمانه ی اجرای بی تنازل مردم را دنبال نخود سیاه بفرستد! کم و بیش در غالب شهرهای اروپایی و آسیایی جنبش اشغال وال استریت با چنان شور و شوقی شعله ور است که حتی مدیا های پرووکاتور بورژوایی نیز ناگزیر اخبار آن را پوشش می دهند.

بعد از انقلاب های جاری در آفریقا و خاور میانه ی عربی؛ اینک بی تردید می توان گفت که همان شبیح سرخ مانیفست مارکس – انگلس بر آسمان ابری سراسر جهان در حال پرواز است.

میلیون ها انسان سرمایه زده روز 15 اکتبر؛ هم ساز و متحد فریاد کشیدند **نخبه گان مالی و سیاست مداران مستخدم آنان را متوجه خواهیم ساخت که اینک وظیفه ی ما مردم است که درباره ی آنان تصمیم بگیریم. ما خواهان تغییر جهان هستیم.**

دیگر بی احتجاج باید گفت – و پذیرفت – که وقت عینیت بخشیدن به راهبرد تز یازدهم نقد مارکس به فوئرباخ فرا رسیده است. با وجودی که چپ محفلی و منفرد؛ درگیر خرده کاری های خاله زنگی و تیکه انداختن های بیمارگونه ی " دولیتلی" است و رسالت خود را در هجو تلاش بی وقفه ی کارگران و زحمت کشان خلاصه و خلاص کرده و نقد مبتذل هیستریک اش را به دماغ های عمل شده ی دختران زرد تقلیل داده است. تصور این که خشم فرودستان زمینه های تغییر جهان را بستر سازی می کند؛ برای بدبین ترین و نا امید ترین ناظران سیاسی نیز اتوپیک نیست. **جهان در حال تغییر است.**»

## متن سخنرانی نوامی کلاین

### جنبش اشغال وال استریت مهمترین اتفاق زمان ما است.

من عاشق شما هستم!

من این را فقط به این خاطر نمی گویم که صدها نفر از شما آنرا تکرار نمائید و « من عاشق شما هستم» را به من برگردانید، هر چند طبیعتن این یکی از امتیازات « میکروفون انسانی» است. به دیگران هر چه بلند تر بگوئید آنچه را که برای شما مقدس است به شما بگویند.

دیروز یکی از کارگران در تجمع کارگری گفت که: « ما همدیگر را یافتیم». قطاری از زیبایی را شما در این جا آفریده اید. یک با هم بودن باز ( مانند ایده ای که این قدر بزرگ است که نمی شود به بیان آورد و وصف نمود.) برای همه انسانهایی که خواهان یک دنیای بهتر هستند که در آنجا یکدیگر را بیابند. ما بخاطر این خیلی از شما متشکریم.

اگر یک چیز را من بدانم این است که یک درصد به یک بحران عشق می ورزند. هنگامی که انسانها پانیک می گیرند و به نظر می رسد که هیچکس نمی داند که باید چه بکند، درست در چنین زمانی نوبت به سیاست شرکت دوستی (پرو شرکت ها) فرا می رسد: آموزش و امنیت و تأمین اجتماعی را خصوصی کنید، خدمات عمومی را از بین ببرید، خود را از هر چه مانع برای قدرت شرکت ها است خلاص کنید. در میان بحران جهانی چنین رخدادی بوقوع می پیوندد.

فقط یک چیز است که می تواند تاکتیک آنها را بلوکه نماید. یک چیز خیلی بزرگ که خوشبختانه ما امروز در این جا با آن روبرو هستیم: 99%. که 99% از مدیسون تا مادرید به خیابان ها آمده است تا بگویند: « نه، ما بهای بحران شما را نمی پردازیم.

این شعار در سال 2008 در ایتالیا متولد شد. از آنجا به یونان، فرانسه و ایرلند و سراسر جهان منتقل شد و سرانجام به خانه رسید ه است به یک چهارم کیلومتر سرمنشأء بحران. آری به جایی که بحران از آنجا آغاز شد.

می پرسند: « چرا اعتراضات؟» یکی از صاحب نظران این سؤال را در تلویزیون مطرح کرده است. همزمان بقیه جهان سؤال می کند « چه زمان طولانی ای؟ ما سؤال می کنیم که کی شما خود را نشان خواهید داد.» و مهمتر از همه چیز اینکه: « خوش آمدید ».

کسان زیادی موجودند که بین اشغال وال استریت و حرکت ضد جهانی شدن (گلوبالیزاسیون) که در سال 1999 در سیاتل متولد شد تشابه می بینند. تظاهراتی که واقعن توجه جهانیان را جلب کرد. این برای آخرین باری بود که جوانان موفق شده بودند یک حرکت بزرگ غیر متمرکز جهانی را مستقیم بر علیه ملاقات سران به وجود بیاورند. من از اینکه قسمتی از آنچه که ما «جنبش جنبش ها» نامیده ایم بودم، افتخار می کنم.

اما تفاوت مهمی نیز وجود دارد. بطور مثال ما ملاقات سران را بعنوان هدف انتخاب کرده بودیم: که شامل سازمان تجارت جهانی، صندوق بین المللی پول و جی 8 بودند. ملاقات سران دارای طبیعت خود بود، اینکه 7 روز ادامه داشت. این ما را نیز گذرا می کرد. سالی 7 روز جمع می شدیم، کارهایی می کردیم و بعد پراکنده می شدیم. ما می خواستیم دیده شویم. تیتز اول جهان گردیم و بعد ناپدید میگردیدیم در هر صورت بیهوشی و دیوانگی میهن پرستانه ای که بعد از عملیات 11 سپتامبر 2001 همه جا را در خود غرق نمود، ما را نیز از روی زمین بطور کلی پاک کرد، حداقل در آمریکای شمالی.

اشغال وال استریت برعکس یک هدف ثابت را برگزیده است. و شما هیچ تاریخ مشخصی برای پایان حضورتان در این جا انتخاب نکرده اید. این عاقلانه است. اول اینکه شما تا زمانی که این جا را

اشغال کرده اید، ریشه می دوانید. این تعیین کننده است. این یک فاکت است که در جهان اطلاعات خیلی از جنبش ها چون گل های زیبای بهاری می رویند اما خیلی زود در خاموشی مرگ شان فرا می رسد، زیرا که آنها ریشه ندارند. بدین دلیل است که آنها برنامه ای برای اینکه بدست خود تغذیه کردند ندارند. ( مثال روشن در عصر حاضر گروه های اپوزیسیون ایرانی در عراق و کردستان عراق- مترجم). این چنین است هنگامی که طوفان می وزد آنها را با خود می رود و می برد.

اینکه جنبش ما افقی و عمیق دموکراتیک است خیلی مهم و شگفت انگیز است. اما این پرینسیپ ها باید خود را با کار سخت برای ساختن زیرساخت هائی سازگار کنند و آن قدر تنومند شود که در موقع وزیدن طوفان توان مقاومت و ایستادن داشته باشد و به جلو گام بر دارد. من امید و باور دارم که این اتفاق خواهد افتاد.

چیز دیگر که صحیح است و این جنبش انجام می دهد، اینکه: که شما خودتان دست به خشونت نزده اید. شما به مطبوعات عکس پنجره های شکسته و مبارزات خیابان آنچنانی را نداده اید و این باعث یأس و ناامیدی آنها شده است. این پرینسیپ مهم با خشونت پلیس که توجیهی ندارد دوباره و دوباره شکسته شده است. که ما آنرا همین الان امشب دیدیم. همزمان پشتیبانی از جنبش در حال پیشرفت خیلی سریع است. خرد بیشتر.

اما بزرگترین فرق این است که در سال 1999 زمانی که ما می خواستیم سران کاپیتالیسم را پائین بکشیم، کاپیتالیسم در حال رونق سریع بود. بیکاری پائین بود. بورس با بالاترین درجه به پیش می تاخت. مطبوعات بوسیله پول مفت سر مست شده بودند. زمان بحث، بحث ایجاد کارخانه های جدید بود و نه متوقف نمودن.

ما اشاره می کردیم که این دیوانگی بهای خویش را دارد. آن برای نرم های کار صدمه زننده بود. برای شرایطی که محیط زیست تقاضا می کرد ضربه زننده بود. شرکت ها قدرت زیادتری نسبت به

دولت‌ها پیدا می‌کردند و این برای دموکراسی ما ضربه زنده بود. برای اینکه با شما صادق باشم باید بگویم که در زمانی که شرکت‌ها به جلو می‌تاختند، یک سیستم اقتصادی که بر پایه طمع و آز بنا شده بود، کالای ضد آن به سختی حداقل در کشورهای ثروتمند قابل فروش بود یعنی خیلی سخت بود که در این باره صحبت کرد و توده‌ها را به این قانع نمود.

ده سال بعد به نظر می‌رسد که دیگر کشور ثروتمندی موجود نیست. فقط یک عده انسان ثروتمند است. انسانهایی که بی‌مهابا با غارت و چپاول امکانات عمومی و فرسوه کردن بیشتر و بیشتر امکانات طبیعت در سراسر جهان بر ثروت خویش می‌افزایند.

امتیاز در این است که امروزه همه می‌توانند ببینند که سیستم سرمایه‌داری بیش از آن بی‌عدالت و غیرکنترل شده است که احتیاج به تشریح ندارد. بی‌عدالتی و از کنترل خارج شدگی واضح و روشن است. طمع و آز تهدید نشده همه پیچ و مهره‌های اقتصاد جهانی را شل نموده و در حال از کار افتادن است. دیگر توان چرخش را ندارد. و جهان طبیعی را از حرکت طبیعی‌اش خارج کرده و دارد به دور می‌اندازد. ما در حال خالی کردن دریاها و اقیانوس‌ها از ماهی هستیم، ما با کوتاه‌نظری جانکاه و بوسیله‌ی ااره کردن و بریدن‌های عمیق، دریاها و اقیانوس‌ها را آلوده می‌کنیم. ما روی خود را به سمت استفاده از ناپاکترین نرم‌های منابع انرژی برگردانده‌ایم، مانند شکافتن شن‌زارهای آلبرتا. اتمسفر دیگر توان هضم این همه گاز کربن را ندارد و به‌طور خطرناکی بسوی گرم‌شدن بیشتر در حرکت است. نرم معمولی ایجاد واقعی پی‌در پی و سریالی فجایع است: اقتصادی و محیط زیستی.

این‌ها فاکت‌های روزمره در بازار است. این دیگر فاکت‌نوشته‌ای است، این قدر روشن و واضح که نسبت به سال 1999 خیلی راحت می‌توان به توده وسیع گفت و به راحتی جنبش‌ها را ساخت و جاری نمود.

ما همه می دانیم، حداقل اینکه جهان در حال زیر رو شدن است. ما طوری رفتار می کنیم که مثل اینکه هیچ پایانی برای نفس کشیدن اتمسفر برای تنفس این همه کثافات که متصاعد می شود، نیست. ما طوری دخالت می کنیم که مثل اینکه مرزهای سخت و ثابت برای آنچه که در واقعیت به صورت آزاد برای ساختن دنیای مورد نیازمان مصرف می کنیم، موجود است.

وظائف و تکالیف زمان ما ایجاب می کنند که این را برگردانیم: برای اینکه بتوانیم این کمبود کاذب را به چالش بکشیم. برای اینکه بتوانیم اصرار بورزیم که امکان داشتن و ساختن یک جامعه سالم و مرفه را داریم. اما در حالی که به آنچه که زمین تواناش را دارد احترام بگذاریم.

آنچه که از تغییر اتمسفر معنی و مفهوم می شود، اینکه ما باید این را در کوتاهترین زمان ممکن بانجام برسانیم. زمان میمیرد. این بار جنبش ما نمی تواند پریشان شده و منحرف گردد، تقسیم شود یا بوسیله اتفاقات پاک و نابود گردد. این بار بایستی ما پیروز گردیم، موفق شویم. من در باره اینکه بر بانک ها و ثروتمندان باید مالیات بیشتر بست صحبت نمی کنم، اگر چه این ها مهم هستند.

من در این باره صحبت می کنم که ارزش های اساسی و بنیادی که بر جامعه ما حاکمند را، تغییر دهیم.

این سخت تر از آن است که یک تقاضای مطبوعات پسند را ارائه دهیم، همچنین سخت تر از آن است که اقدامات لازمه و متد ها و راههای چگونگی آن را بر شمرد و لیست کرد. اما کمتر اهمیت ندارد که این دخالت سخت را داشته باشیم.

این چیزی است که من می بینم، دارد اتفاق می افتد و بر این شیشه جاری است. بدین شیوه همدیگر را تغذیه کنید، همدیگر را به گرمی در بغل بگیرید، اطلاعات را با یکدیگر قسمت کنید، بهداشت، رفاه و آموزش همگانی بخواهید، خواستار تقسیم امکانات برای رفع نیازهای همگانی باشید. پلاکارد مورد علاقه من، **فواریت** من در اینجا " من از شما مراقبت می کنم"، می باشد. در فرهنگی که انسانها را

آموزش می دهد که نگاه را از یکدیگر برگردانند، که « اجازه دهید آنها بمیرند» بر آن حاکم است، این یک بیانیه عمیقن رادیکال است. این فرهنگ حاکم بر جامعه ما است که باید تغییر یابد. این فرهنگ طبقه حاکمه ی جامعه امروزی ما است. ما بر علیه این نگاه، این آموزش و این فرهنگ و حامیان آن بر خاسته ایم. این موجب مباحثات و افتخار است.

چند تائی فکر پایانی. چند چیز موجود است که در این مبارزه بزرگ مهم نیستند، نقش مهمی بازی نمی کنند.

اینکه ما چه بپوشیم

اینکه ما مشت هایمان را تکان دهیم یا به نشانه صلح جویانه پایان دهیم

اینکه ما با آرزوهایمان جائی در مطبوعات پر سر و صدا بیابیم که به سراسر جهان مخابره شود

و در این جا چند چیز ارزشمند هست

شهامت، شجاعت ما

قطب نمای اخلاقی ما

چگونگی رفتار ما با یکدیگر.

ما مبارزه با قدرتمندترین نیروهای اقتصادی و سیاسی موجود بر روی کره را بر گزیده ایم. با یک چنین خصلتی، جنبش ما خوف انگیز و وحشت آفرین است. و برای این است که این جنبش از آمادگی به آمادگی رشد می کند و می باید بکند. این جنبش رعب انگیز است و وحشت بیشتری را می آفریند. این گفتنی است، همیشه آگاه باشید که این پدیده ای است که اهداف کمتر و کوچکتر را در هم می



شکند و از آنها می‌گذرد و چنین به فردی که در بغلتان در این گردهمائی نشسته است، انتقال می‌یابد. مادام که این چنین است، مبارزه بزرگ ما به آسانی می‌تواند به پیروزی برسد.

وسوسه را کنار بگذارید. من نمی‌گویم که به یک دیگر در آینده تلفن نکنید. اما این بار باید که رفتار ما با یگدیگر طوری باشد که در حال برنامه ریزی مبارزه ای در کنار هم هستیم که مبارزه برای خیلی‌ها است، برای بسیار سال‌ها در آینده است. چنین است که این وظیفه شرایط کمتری را تقاضا نمی‌کند.

اجازه بدهید که با این زیباترین جنبش طوری رفتار کنیم که مهمترین چیز جهان است. زیرا که این هست. این حقیقت است.

لینک سخنرانی ویدئو

<http://www.youtube.com/watch?v=BXtYCUr-Ng&feature=related>